

شرق روزنامه

یادداشت

تروریسم محصول تاریخ سیاسی پاکستان

اردشیر زاړعی قنواټی

حوادث تروریستی در پاکستان اتفاق غربی نیست و بیشتر به یک سریال دنباله‌دار می‌ماند که سناریو آن برای همه فصول در سال‌ها و شاید ده‌ها دهه‌ها نوشته شده است. هرچند بنیادگرایی دینی خاستگاه ستنی خود را در عربستان سعودی دارد، اما بنیادگرایی سیاسی و مدرن از همان ابتدا در منازعات شبه‌قاره هند و در جریان استقلال این کشور از هندوستان کلید خورد. انگیزه استقلال بخش شرقی و غربی هند با دخالت استعمار بریتانیا برای مجازات دهلی‌نو که از سرزمین‌های پادشاهی بریتانیا به رهبری «مهاتما گاندی» و «جواهر لعل نهرو» جدا شده بود، از همان ابتدا به یک منازعه قومی- مذهبی تبدیل شد که اسلام را در مقابل هندوئیسم قرار داد.

به‌همین‌دلیل بنیادگرایی دینی و اسلام سیاسی به موتور محرکه دو بخش مسلمان نشین هندوستان برای تجزیه تبدیل شد که به پاکستان شرقی و غربی موسوم شد. در مرحله بعدی اختلاف بین بخش شرقی و غربی کشور تازه‌تأسیس موجب شد بخش شرقی آن تحت یک کشور جدید «بنگلادش» حساب خود را از سفره بخش غربی جدا کند.

در این مرحله نیز رهبران سیاسی- نظامی پاکستان برای سرکوب نهضت استقلال‌خواهی بنگلادش دست به تشکیل و حمایت از گروه‌های تندرو دینی، ازجمله «جماعت اسلامی» زده و صفحه خونباری را در این کشور باز کردند که هنوز تبعات آن ادامه دارد. همچنین اختلافات دامنه‌دار بین اسلام‌آباد و دهلی بر سر منطقه کشمیر که به چند دور جنگ بین دو کشور منجر شد، زمینه را برای جولان گروه‌های بنیادگرای اسلامی مهیا کرد که از همان اول به‌عنوان میلیشای نظامی تحت امر ارتش پاکستان عمل می‌کردند. نقش ارتش پاکستان و به‌ویژه سازمان اطلاعاتی آن در مدیریت سیاسی جامعه پاکستان در کنار ارتباط تنگاتنگ آن با گروه‌های شبه‌نظامی اسلام‌گرا، همواره در تاریخ پاکستان رقم‌زننده بسیاری از تحولات داخلی و خارجی بوده است که هنوز هم ادامه دارد. تحولات افغانستان در دهه ۷۰ میلادی و انتقال تضادهای دو بلوک سرمایه‌داری و سوسیالیستی به بهانه حضور نیروهای نظامی شوروی سابق در افغانستان برای حمایت از حکومت چپ‌گرای این کشور، معادله جدیدی در رقم زد که باز هم اکنون آن در پاکستان سازمان داده شده بود.

تحلیل تحولات پاکستان بدون درک و شناخت تاریخ کوتاه این کشور و نقش بنیادگرایی اسلامی در بطن ساختار سیاسی- نظامی آن در بعد داخلی و خارجی امکان‌پذیر نیست. این کشور بیش از آنچه نمونه یک ساختار مدرن براساس مؤلفه دولت-ملت باشد، بیشتر تصویر یک ژئوپلیتیک جعلی است که حتمی در درون بخش‌های چهارگانه خود (سند، پنجاب، بلوچستان و مناطق قبایلی سرحد) هرگز نتوانسته است به مفهوم وحدت ملی عینیت بخشیده و به‌عنوان یک کشور متحد، جایگاه اعتباری خود را اثبات کند. به‌همین‌دلیل وقتی از پاکستان سخن گفته می‌شود، درواقع از چهار سرزمین متفاوت و بعضاً متضاد یاد می‌شود که از همان ابتدا نسبت به هم موقعیت «رانشی» داشته‌اند. همین وضعیت ابزاری در کنار نقش ارتش در شکل‌دهی به سیاست و ساختار کلان ملی که حتی اقتصاد این کشور را در حیطه نفوذ و منافع ژنرال‌ها قرار داده سیستم سیاسی غیرنظامی را هم تابعی از اراده نظامیان کرده است.

از یک طرف به دلیل نقش تعیین‌کننده ارتش در حوزه سیاست داخلی و خارجی و فساد نهادینه‌شده در بین نخبگان سیاسی، ه‌اولی دموکراسی شکلی این کشور را تابعی از اراده نظامیان کرده است و از طرف دیگر، این نهاد قدرت‌مند برای تثبیت حاکمیتی خود به‌طور سنتی از بنیادگرایی دینی در هر دو حوزه سیاست درونی و بیرونی بهره لازم را می‌برد. این درهم‌تنیدگی و پیوند ارگانیک بین نهادهای اصلی قدرت در اسلام‌آباد با گروه‌های بنیادگرای اسلامی در جهادی در طول حیات این جمهوری نه‌فقط همواره موجب هرج‌ومرج و بی‌ثباتی در منطقه شده که حتی وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور را نیز در معرض آسیب چنین گروه‌های تروریستی بی‌شمار قرار داده است. تجربه چند دهه اخیر اثبات کرده استفاده از گروه‌های تروریستی و بنیادگرایان دینی همچون بازی با آتش در انبار باروت بوده است و هیچ نیرویی قادر به مدیریت و کنترل کامل این میدان بازی نخواهد بود.

حمله انتحاری روز دوشنبه هشتم آگوست به بیمارستانی در شهر «کوئته» که مسئولیت آن را گروه تروریستی و اشعایی از طالبان پاکستان «جماعت الاحرار» نزدیک به داعش برعهده گرفته است، بسیاری از وکلای دادگستری و روزنامه‌نگاران پاکستانی را هدف قرار داد. این گروه تروریستی و تندرو با هدایت «عمر خالد خراسانی» قِلا نیز در ۲۷ مارس با حمله به یک پارک در لاهور که مسیحیان این شهر عبد پاک را جشن گرفته بودند، موجب قتل حدود ۷۰ نفر و زخمی‌شدن ۳۰۰ نفر شدند.

درهم‌پیچیدگی شرایط پاکستان و تضادهای قومی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این کشور آن چنان ابعاد وسیعی به خود گرفته است که حتی دیگر ارتش و نهادهای دولتی نیز از حلات تروریستی در امان نبوده‌اند. سیاست الکالکنگی دولت پاکستان و به‌ویژه نهاد اطلاعات ارتش (ای‌اس‌ای) در باره روابط پنهان با تروریست‌های بنیادگرا، ازجمله طالبان افغانستان و گروه‌های فعال در منازعه کشمیر برای اهداف ژئوپلیتیک، موقعیت ویژه‌ای را برای چنین گروه‌هایی ایجاد کرده است که حتی کنترل شاخه‌های اشعایی نیز دیگر امکان‌پذیر نیست. تا زمانی که پاکستان با پدیده تروریسم به مفهوم عام و نفی معیارهای دوگانه در حوزه داخلی و خارجی دست به بازنگری و تسویه‌حساب کامل نرزد، این کشور قدرت‌مند اتمی هرروزه شاهد فجایعی همچون حمله انتحاری کوئته خواهد بود. بنیادگرایی اسلام سنی و تروریسم جهادی، از پدیده‌های مدرنی است که ریشه در سنت‌های ماقبل مدرنیته و اهداف نوین ژئوپلیتیک دارد و به‌همین‌دلیل ریشه‌کنی بی مهار آن فقط با بریدن بند ناف آنها از معادلات سیاسی-اجتماعی مسیر بوده و به تدوین برنامه‌ای بلندمدت نیاز دارد که هم‌زمان که توسعه‌نیافتگی را هدف قرار می‌دهد، امنیت جمعی را بر آتارشی ارجح باند.

نگاه

اسرائیل در آغوش ناتو

در گامی که نشانگر افزایش همکاری و هماهنگی با پیمان ناتو است، اسرائیل دفتر نمایندگی خود را در مقر پیمان ناتو در بروکسل، پایتخت بلژیک، افتتاح کرد که این نتیجه زنجیره اقداماتی است که هدف از آن، تحکیم همکاری میان ناتو و اسرائیل است که شامل انجام مانورهای نظامی مشترک و تبادل اطلاعات می‌شود.

با وجود اینکه این پیمان ناتو بود که پنج سال قبل این پیشنهاد را به اسرائیل داد تا دفتر خود را در مقر ناتو افتتاح کند، اما اعتراض ترکیه، عضوی در ناتو، مانع از این امر شد. مجله «اسرائیل دیفنس»، در گزارشی نوشت که «امضای توافق عادی‌سازی روابط میان آنکارا و تل‌آویو به این امر می‌انجامد که مخالفت ترکیه با این گام نیز از بین برود».

درهمین‌حال، حانا کاسپی، سرهنگ بازنشسته که وابسته نظامی اسرائیل در پیمان ناتو تا سال ۲۰۱۰ بود، بیان کرد افتتاح دفتر اسرائیل در مقر ناتو باعث تقویت جایگاه بین‌المللی اسرائیل می‌شود و این در شرایطی است که اسرائیل برای حق موجودیت خود می‌جنگد و با تلاش‌ها برای انزواي خود در صحنه بین‌المللی مقابله می‌کند.

«اسرائیل دیفنس» از کاسپی نقل کرد: «افتتاح این کشور در ناتو به‌منزله به‌رسمیت‌شناختن نقش اسرائیل و مشارکت‌هایش است و در کنار آن نیز برای اسرائیل چتری را برای تقویت همکاری امنیتی و نظامی میان اسرائیل و ناتو فراهم می‌کند، او تصریح کرد همکاری میان ناتو و اسرائیل در زمینه امنیتی، نظامی و اطلاعاتی مستحکم بوده و هست و اسرائیل در رزمایش‌های نظامی متعدد ناتو و در رأس آن رزمایش دریایی چهار سال قبل مشارکت کرد. کاسپی به این امر اشاره کرد که گادی آیزنکوت، رئیس ستاد ارتش اسرائیل و معاونش معمولاً بر مشارکت در نشست‌های رؤسای ستاد کشورهای شرکت‌کننده در ناتو تأکید دارند. او بر این باور است که آنچه ناتو را به همکاری با اسرائیل ترغیب می‌کند، تجاری است که اسرائیل در زمینه «رویارویی با مقاومت» کسب کرده و همچنین شهرتی که ارتش اسرائیل به دلیل تجارت جنگی خود به دست آورده و نیز به دلیل پیشرفت تکنولوژیکی گسترده اسرائیل در زمینه نظامی و اطلاعاتی است.

کاسپی این مسئله را یادآور شد که ناتو از امضای توافق اسلو (۱۹۹۳) برای مقدمه‌چینی برای همکاری با اسرائیل و سرانجام که ترکیه روند اجرای توافق منعقدشده میان تل‌آویو و آنکارا را به کند می‌پیش ببرد، «الون بن دیوید»، تحلیلگر نظامی، تصریح کرده است بازگشت یوپایی به روابط میان روسیه و ترکیه باعث می‌شود که اردوغان از تعهدات خود در قبال اسرائیل آزاد شود.

از سوی دیگر، منابع نظامی اسرائیلی پیش‌بینی کردند «همگرایی احتمالی» میان روسیه و ترکیه به این امر بینجامد که ترکیه روند اجرای توافق منعقدشده میان تل‌آویو و آنکارا را به کند پیش ببرد. «الون بن دیوید»، تحلیلگر نظامی، تصریح کرده است بازگشت یوپایی به روابط میان روسیه و ترکیه باعث می‌شود که اردوغان از تعهدات خود در قبال اسرائیل آزاد شود.

«منبع: ایسنا



«علی فضل‌الله» فرزند «علامه فضل‌الله» روحانی خوش فکر لبنانی؛

همچنان به خط اعتدال ومیانه‌روی پایبند هستیم

خرافه‌پرستی مقابله کنیم. باید دغدغه اسلام را در جهان داشته باشیم. بزرگ باشیم و نگذاریم که حملات آنها ما را از توجه به مسائل بزرگ بازدارد. درهمین‌حال نباید بگذاریم اینها ما را از توجه به مصلحت اسلام بازدارد. او به روش یکی از نویسندگان جوابشان را می‌داد که گفته است: «آنها می‌گویند، چه می‌گویند، بگذار بگویند». درعین‌حال سعی می‌کرد از طریق سلوک و عمل و جهاد و فروتنی به آنها پاسخ دهد. از این رو توانست بر تمامی این حملات ظالمانه غلبه کند. حملاتی که پشت سرش دستگاه‌هایی بودند یا کسانی که دغدغه امت اسلامی را نداشتند. ما هم این روزها همان حرف علامه را می‌زنیم که گفت و همان کاری را می‌کنیم که کرد. همان جوابی را می‌دهیم که او به نقل از رسول خدا می‌گفت: «خدا یا قوم مرا ببخش که آنها نمی‌دانند».

✚ مؤسسات وابسته به سید فضل‌الله مراکز اساسی برای ایجاد امنیت اجتماعی در لبنان هستند. چطور می‌خواهید این نهادها را توسعه بدهید و آینده‌شان را تضمین کنید. آن هم در این شرایط بحران‌زده که لبنان دارد؟
ما می‌دانیم حفظ این مؤسسات بخشی از وصیت‌نامه علامه بوده است.

علامه تأکید زیادی بر حل مشکلات تربیتی، بهداشتی و فرهنگی مردم داشت. همچنین بسیار علاقه‌مند بود مردم به اصل دینشان برگردند و با این دین خفیف رشد کنند. از این رو، به دنبال مشکلات دشوار و پیچیده مردم بود و برای رفع آنها مراکزی بهداشتی و عبادی در اکثر مناطق لبنان تأسیس کرد. او می‌دانست که دولت در این کشور کاری به درد و رنج مردم چنان‌که باید ندارد. برای همین سعی می‌کرد در این راه پیشگام باشد و به‌خصوص به ایتمام توجه کند. از این بابت بهترین جایز را هم گرفت. او تجربه‌ای در سطح منطقه داشت و از ایتمام و ازکارافتادگان سرپرستی می‌کرد. به آنها در زمینه‌های آموزشی کمک می‌رساند. خیلی از مؤسسات هستند که بعدها از تجربه او سود بردند. ما این روزها سعی می‌کنیم آنچه را علامه شروع کرده بود، ادامه دهیم و تکمیل کنیم. خیلی‌ها ملاحظه کردند که مدارس خیریه ما در سطح نتایج امتحانات رسمی او شدند و دانش‌آموزان ما پرتری و استعدادشان را نشان دادند. علامه پیوسته به آنها سفارش می‌کرد که «به موفقیت بسنده نکنید، همیشه به‌دنبال بهترین‌ها باشید». اما باوجود اوضاع اقتصادی و حیاتی دشواری که داریم و همه منطقه و لبنان را فراگرفته و بر درآمد‌های مؤسسه ما هم اثر گذاشته است، سعی می‌کنیم نگذاریم کسانی که تحت سرپرستی بودند احساس نگرانی کنند و فکر کنند آینده‌شان تباه شده است. بلکه تلاش می‌کنیم برای اغلب آنها شرایط تحصیل حتی در اروپا و جاهای دیگر را فراهم کنیم تا به صورت انسان‌های مفید به کشورشان بازگردند. به اعتقاد ما این مؤسسات در مالکیت فردی یا خانواده‌ای یا حتی مذهبی خاص نیست. بلکه مؤسساتی برای همه است؛ همه کسانی که به آن نیاز دارند. به همه آت‌هایی که دست‌اندرکار باشند می‌گوییم همه ما در این راه شریک هستیم. چون ما فقط به حل مشکلات مردم فکر می‌کنیم. می‌خواهیم کمک کنیم که این وضعیت اجتماعی پیچیده را حفظ کنیم چون اگر به دلیل ورشکستگی دولت یا سهل‌انگاری نهادهای دولتی به حال خود رها شود، حتما منجر به جنگ و ویرانی خواهد بود یا باعث یک رشته انفجارهایی خواهد شد که فرزندان و نوادگان خود ما را با خود خواهد برد.

✚ شما درباره روش اعتدال ومیانه‌روی که علامه از آن برخوردار بود چه

کسی بین «رایبن‌هود» و «دکارت»

بعد درحالی‌که پرورنده‌های قطور کاغذی را به زیر بغل زده‌اند، از این نشست‌ها خارج می‌شوند و همواره از طرح‌ها و راه‌های سازش سخن می‌گویند. اما این پیگیری‌ها تاکنون هنوز بی‌نتیجه، ناکارآمد و فقط در حد حرف بوده و هیچ تأثیر و قدرتی نداشته است. این پیگیری‌ها حتی با وجود نشانه‌هایی از کاهش تنش‌ها در مبادین جنگ بی‌نتیجه بوده و به باد فاف رفته‌اند. نکته درخور توجه و ظریف در این موضوع این است که بان کی‌مون، پدر دیپلماسی بین‌المللی، هنوز از حضور در افکار عمومی پس از خربرا و داستان‌های مستمر مرگ و کشتار در سراسر جهان و اکتفا به این سخن که نگران است، خسته نشده و چه‌سای این ابراز نگرانی‌ها برای توجیه حضورش است. گویا او از «نه دکارت»، ریاضی‌دان بزرگ جهان، اصل شک را به عاریه گرفته و این شک مبتنی‌بر این است که انسان به طور شک دستوری و سیستماتیک در همه‌چیز شک کند. اما با فلسفه‌ای علت‌ومعلولی و توخالی، به‌این‌ترتیب، هر بار که قربانیان جدیدی در این منطقه از جهان یا هر نقطه

محمدعلی عسگری: «علی فضل‌الله»، فرزند سیدمحمدحسین فضل‌الله (۱۹۳۵-۲۰۱۰) است که از جمله مراجع و روحانیون نوگرا و خوش‌فکر شیعه اهل لبنان به شمار می‌رفت. او شخصیتی استثنایی و منحصربه‌فرد داشت و به همین دلیل درباره‌اش اظهارات متناقض و مختلفی به‌ویژه درباره دیدگاه‌های فقهی و دینی او بیان شده است. فضل‌الله هرچند هیچ مسئولیت سیاسی در هیچ حزبی را نپذیرفت و همواره سعی داشت روشی معتدل و بی‌طرف به دور از حاشیه‌های سیاسی داشته باشد اما چهار بار در معرض ترور قرار گرفت و هر بار جان سالم به‌در برد. یکی از آنها در سال ۱۹۸۴ از سوی آمریکایی‌ها بود. بعدها وقتی علامه فضل‌الله درگذشت، روزنامه «واشنگتن‌پست» در تحلیلی با عنوان «تروریست بزرگ» اعتراف کرد که «آمریکا شخصیت مهمی را در لبنان از دست داد». آنچه را می‌خوانید، گفت‌وگوی خبرنگار «الواء» با فرزندش سیدعلی فضل‌الله درباره عملکرد مؤسسات زیرمجموعه فضل‌الله و نیز تحولات منطقه و لبنان و راه‌های رسیدن به وحدت مسلمانان است.

✚ با درگذشت علامه فضل‌الله یک سرمایه بزرگ را از دست دادیم. دراین‌باره چیزی هست که بگویید؟
علامه مرجع سیدمحمدحسین فضل‌الله شخصیتی جامع و یگانه داشت. او همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی را دعوت می‌کرد که در فضایی اسلامی زندگی کنند و اینکه پیش از وابستگی به یک مذهب، خودشان را در درجه اول وابسته به اسلام بدانند. او شمشری کشیده در برابر هرگونه افراط‌گرایی و خرافه‌پرستی و قلعه‌ای مستحکم برای وحدت اسلامی بود. بنده هم به مسلمانان به‌خصوص لبنانی‌ها می‌گویم که به این‌دین خفیف جنگ زنند و فرقه‌گرایی را رها کنند زیرا ما را از همدیگر دور می‌کند. نمی‌گویم که این گروه یا آن گروه دست از اعتقاداتشان بردارند بلکه می‌گویم نباید گذاشت این مسئله ما را وارد یک‌سری تعصبات مرگ‌بار کند. تعهدداشتن نسبت به یک عقیده با تعصب‌داشتن نسبت به آن فرق می‌کند. تعهد ضد تعصب است، زیرا تعهد ما را بر آن می‌دارد که با همدیگر گفت‌وگو و اختلافاتمان را به بهترین شکل حل کنیم. من به همه دوستان اعم از شیعه و سنی می‌گویم نباید به خاطر ازدست‌دادن بعضی شخصیت‌ها فقط حسرت خورد؛ زیرا برای ما هیچ فقدانی بزرگ‌تر از فقدان خود پیامبر اسلام(ص) که نیست. درگذشت شخصیت‌های مهم به‌خصوص در این مراحل، باید انگیزه‌ای قوی برای ما باشد تا دنباله‌رو آنها باشیم و به راهی برویم که آنها تعیین کرده‌اند. باید تلاش‌های خودمان را دوجندان کنیم تا صفوف این امت یکپارچه نشود زیرا فتنه‌ها خشک و تر را با هم می‌سوزاند.

✚ هرازچندگاهی ما صداهایی می‌شنویم که هنوز به راه علامه و دانش او حمله می‌کنند. دراین‌باره چه می‌گویید؟

در زمان حیات علامه هم چنین فضایی بود. او به مدت ۱۶ سال بارها در معرض حملاتی سخت قرار گرفت. اما هرچه کردند او را منحرف کنند، او جوابی به آنها نداد. بارها سعی کردند حرف‌های او را منحرف و سخنانش را بریده‌بریده نقل کنند. اما او فقط با آنکا به همان شیوه قرآنی که می‌فرماید «به بهترین شیوه‌ای که ممکن است پاسخ بده» جوابشان را می‌داد. فراتر از اینها بارها به ما می‌گفت نباید زیاد وقت صرف اینها کرد. بلکه باید با خرمدنی و حکمت برخورد کرد و با علم و تلاش خود سعی کنیم با افراط‌گرایی و

این‌روزها منطقه عربی روی آبیانوسوی از فجایع مختلف شناور است، در این منطقه جنگ‌های متعددی به راه افتاده که مشکلاتی مانند حضور مزدوران، کشتارهای دسته‌جمعی مردم می‌گناه، آدم‌کشی، بحران پناهجویان و نابودی اقتصاد از پیامدهای آنها است. پایگاه خبری روسیه‌الیوم در تحلیلی با نگاهی انتقادی به عملکرد بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل، آورده است: هر بار که شاهد مرگ قربانیان جدیدی در این منطقه از جهان یا هر نقطه دیگری هستیم، آقای دبیرکل سازمان ملل فقط نگران می‌شوند و البته بی‌تحركی و ناکامی فرستاده‌هایش نیز ادامه می‌یابد. اکنون باید پرسیدی پس از چندین دهه کشور فلسطین کجاست؟ چه چیزی قطع‌نامه‌های بین‌المللی ضامن حقوق مردم فلسطین را بی‌اثر کرد؟ باید بگوییم درواقع این خود سازمان ملل است که حقوق‌بشر را نقض می‌کند.

دبیرکل سازمان ملل برای این بحران‌ها دو فرستاده بین‌المللی اختصاص داده که مرتباً به این منطقه آمدوشند دارند و با طرف‌های درگیر دیدار می‌کنند و